

## هشدار به علاقمندان احداث باغات پسته در مناطق جدید

علی نظری

باغدار و عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران

سازگارتر است و کدام پیوند با سرمای سخت زمستان زنجان و بهار دیر هنگام آن و یا کدام با تابستان معتدل آذربایجان یا تابستان گرم سیستان و بلوچستان سازگار است و آنچه در میان باغداران نقل و قول می شود غیر مستند و غیر قابل اعتماد است. این در حالی است که بیش از پنجاه سال است که در دنیا گیاهانی که بیشترین مقاومت را به بیماریها دارند و رشد بسیار خوبی در اقلیم های مختلف و خاکهای فقیر دارند و امکان پیوند زدن پسته هم روی آنها وجود دارد را بعنوان پایه انتخاب می کنند یا از طریق تلاقی های کنترل شده ارقام جدیدی را ایجاد می کنند. بطور کلی برای پسته ۵ پایه تجاری تجربه شده شامل تربینتوس، آتلانتیکا، اینتگراما، PG2 و UCB1 در دنیا وجود دارد و حداقل ۵۰ پیوند تجاری خوب نیز در ایران تجربه و شناخته شده است. ایجاد یک باغ از این ۵ پایه و ۵۰ پیوند کاری است آسان و ارزان و پس از ۵ سال از احداث این باغ، بهترین پایه و پیوند برای هر اقلیم معلوم خواهد شد. توصیه من به تمام علاقمندان احداث باغ پسته در ایران آن است که در مقابل بیش از صد سال عمر یک درخت، این ۵ سال را طولانی نبینند و توجه داشته باشند که بدون بررسی سازگاری ارقام و بدون شناسایی پایه ها و ارقام مناسب هر منطقه اقدام به سرمایه گذاری در احداث باغات پسته ننمایند.

بدیهی است که می توان در مدت ۵ سال با کاهش سرعت توسعه باغات در تمام مناطق پسته کاری و احداث باغات سازگاری به اطلاعات مورد نیاز درخصوص سازگاری پایه ها و ارقام دست یافت و از بروز خسارتی بزرگ جلوگیری کرد.

در حقیقت احداث این باغات وظیفه دولت است و اگر روزی دولتهای ما سیاستهای کمیته امدادی را در بخش کشاورزی هم کنار بگذارند و به مسئولیت واقعی خود یعنی افزایش بهره وری بپردازند و اندکی از بودجه های کلان خود را به یاد دادن ماهیگیری (و نه دادن ماهی) صرف کنند، احداث باغات سازگاری می تواند به سرعت انجام شود.

انجمن نیز بارها اعلام کرده است که آماده است در صورت در اختیار گذاردن آب و زمین توسط دولت، این باغات را احداث و نتایج آنرا در اختیار مردم و دولت قرار دهد و اگر دولت هم نکرد، کشاورزان هر منطقه می توانند برای انتخاب بهترین پایه و پیوند این مسیر را طی کنند و این مسیر بهتر از آن است که راه خطایی را پیش بگیرند که یک عمر افسوس به بار آورد.



جواب می دهد و روی دیگری نمی دهد و ... همین اشکال در مورد تهیه پیوندک هم وجود دارد. در کشورهای پیشرفته، باغهای مادری ارقام که تامین کننده پیوندک می باشند در باغهایی که زیر نظر دولت هستند نگهداری می شوند و هر کس پیوند بخواهد از آن باغها تهیه می کند. معمولاً کشاورزانی که نیاز به تعداد زیادی پیوندک دارند ابتدا مقدار محدودی از باغ مادری تهیه می کنند و در باغ خودشان پیوند می زنند و سپس با استفاده از آن اقدام به تهیه پیوندک های مورد نیاز کرده و توسعه می دهند و لذا به دقت پیوندی را که می زنند می شناسند. بر این اساس تحقیقاتی که مراکز تحقیقاتی انجام می دهند یا تجاری که باغداران دارند بر روی پیوندهای معین است و لذا وقتی در تجربه ای سهم می شوند روی یک موضوع است. در حالیکه در ایران آنچه ما مثلاً به اسم پیوند احمد آقائی می شناسیم گاهی به لحاظ ژنتیک هیچ شباهتی به احمد آقائی ندارد و فقط از قیافه درخت یا میوه، رقم آن را حدس می زنیم. اینجانب بارها پیوندی را که به اسم اکبری یا احمد آقائی نمی شناختم یا می شناختم در آزمایش ژنتیک خلاف آنرا دیده ام.

از طرف دیگر سازگاری هیچیک از پیوندهای تجاری که در ایران داریم با اقلیم های مختلف تست نشده است. مشخص نیست که کدام پیوند به بهارهای زود هنگام جنوب شیراز و یا سرمای معتدل زمستان

هم اکنون بدلیل کم شدن و یا شور شدن آب و یا گران شدن آب در بسیاری از نقاط ایران از مرز ایران با ترکمنستان در خراسان شمالی تا استان سیستان و بلوچستان و از آذربایجان تا گیلانغرب و جنوب کردستان تا جنوب شیراز، تغییر الگوی کشت و احداث باغات پسته، به سرعت در حال توسعه است. ولی افسوس که بدلیل آنکه در کشور ما ساختار باغبانی بعنوان یک صنعت شکل نگرفته است تجارب پراکنده هزار ساله باغبانی پسته در ایران استفاده نشده و پسته کاری در ایران با مثلاً ۵۰۰ سال گذشته تفاوتی نکرده است. همان بذر پسته ای را که می خوریم می کاریم و پیوندی را که نمی شناسیم روی درخت می گذاریم و بعد از ۱۰ تا ۱۲ سال تازه متوجه می شویم که چه اشتباهاتی را مرتکب شده ایم.

همه باغداران به خوبی می دانند که هر بذر پسته، یک شخصیت ژنتیک جداگانه دارد و به لحاظ رشد، جذب عناصر، مقاومت نسبت به بیماریها و مقاومت نسبت به شوری یا خشکی و ... ویژگی خودش را دارد. بنابراین با کاشت بذر، درختان پسته ای که در یک باغ خواهیم داشت درختان یکسانی نیستند و در مقابل شرایط محیط و خاک عکس عملهای متفاوتی را خواهند داشت. پیوند روی یک درخت خوب می گیرد، روی دیگری نمی گیرد، یکی خوب رشد می کند، دیگری کوتوله می ماند، یکی بیمار می شود، دیگری نمی شود، روی یکی تیمار تغذیه